

اثربخشی آموزش های پیش از ازدواج بر میزان رضایتمندی زناشویی

سمیه زارع^{۱*}، زهرا ابراهیمی^۲

۱- مربی، کارشناس ارشد روان شناسی شخصیت، گروه روان شناسی، دانشگاه پیام نور (pnu.zare@gmail.com)

۲- کارشناس، علوم تربیتی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش های پیش از ازدواج در میزان رضایتمندی زناشویی انجام شده است. در این پژوهش ۸۰ نفر از زوج های متأهل به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند که از میان آنها ۴۰ نفر از افراد به صورت آزمایشی (آموزش دیده) و ۴۰ نفر دیگر در گروه گواه (آموزش ندیده) جایگزین شدند. روش پژوهش حاضر علی-مقایسه ای بوده و برای جمع آوری داده ها از آزمون استاندارد شده رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹) استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان دادند که بین رضایتمندی زناشویی گروه آزمایشی و گروه گواه رابطه معنی داری وجود دارد و میانگین رضایتمندی زناشویی گروه آزمایش که تحت آموزش بودند، بیشتر از گروه گواه (کنترل) است. همچنین نتایج حاصل نشان داد که بین زوجینی که پیش از ازدواج به مراکز مشاوره مراجعه کرده اند و کسانی که مراجعه نکرده اند، از نظر میزان رضایتمندی زناشویی تفاوت وجود دارد.

واژگان کلیدی: رضایتمندی زناشویی، افراد آموزش دیده، افراد آموزش ندیده

۱- مقدمه

خانواده نهادی اجتماعی و یکی از نهادهای بنیادی در جامعه انسانی به شمار می رود که از یک طرف با نظام اجتماعی و از سوی دیگر به طور مستقیم با فرد در ارتباط است. این نهاد ارزشمند از لحاظ اهمیت در بالاترین نقطه اوج قرار دارد و یکی از ارکان اساسی جامعه شمرده می شود و دستیابی به جامعه سالم در سایه وجود خانواده سالم میسر می باشد (برنشاین، ۲۰۰۱).

در این راستا بحث از مشاوره پیش از ازدواج از جمله مواردی است که تأثیر بسزایی در رضایتمندی زناشویی افراد دارد، در واقع مشاوره پیش از ازدواج شامل مجموعه اقداماتی است که داوطلب ازدواج در جریان آن به کمک خویشتاوندان موثر و مشاور امکان می یابد که اصول و مبانی مربوط به انتخاب همسر، احکام شرعی مربوط به ازدواج، طرح ریزی نحوه زندگی مشترک و سازگاری متناسب با ویژگی های شخصیتی توانایی ها و ضعف های خود و طرف مقابل و همچنین واقعیت ها و امکانات را بررسی نموده و شیوه صحیح انتخاب همسر را اتخاذ نماید. این جریان با انعقاد پیوند ازدواج متوقف نمی شود بلکه پس از ازدواج نیز در صورت نیاز زوجین، مشاور آنان را یاری خواهد کرد (حسینی، ۱۳۸۰).

بررسی بورنت(۱۹۹۳) در زمینه آموزش مهارت های ارتباطی در ازدواج نشان می دهد که برنامه افزایش رابطه و پیشگیری از درماندگی زناشویی در زوج های تازه ازدواج کرده و زوج هایی که تصمیم به ازدواج دارند، موجب افزایش رفتارهای ارتباطی مثبت و کاهش رفتارهای ارتباطی منفی می شوند. چنین برنامه هایی چسبندگی و توافق زوجین را افزایش داده و هم برای مردان و هم برای زنان مفید است. مارکمن و هالوک(۱۹۹۳) در پژوهشی نشان داده اند که برنامه های آموزشی روابط زوجین را بهبود می بخشد و از ناراضیاتی آنها می کاهد. مطالعات انجام شده توسط رایس(۱۹۹۶) نشان داد که صحبت و گفتگو یکی از عوامل مهم احساس رضایت در روابط اجتماعی است و نارسایی و ضعف در مهارت های ارتباطی با عدم رضایت زناشویی رابطه دارد. سالیوان و برادبوی(۱۹۹۶) نمونه هایی از زوج های تازه ازدواج کرده را که پیش از ازدواج خدمات مشاوره ای دریافت کرده بودند، با آنهایی که از این خدمات استفاده نکرده بودند مقایسه قرار دادند و نتایج نشان داد که، زوج های شرکت کننده از نظر مشکلات زناشویی در خطر زیادی نبودن و شوهران شرکت کننده، در مقایسه با شوهران گروه کنترل، از نظر مشکلات زناشویی در خطر پایین تری قرار داشتند.

استامن(۱۹۹۷) در مروری بر تاریخچه مشاوره پیش از ازدواج دریافت که بیشتر مطالعات اثرات مثبت گزارش کرده اند و بعضی مطالعات اثر حداقلی یا خنثای این برنامه ها را گزارش کرده اند و هیچ مطالعه ای اثر منفی برای این برنامه ها گزارش نکرده است. سالیوان (۱۹۹۷) نشان داد که شرکت در کلاس های مشاوره پیش از ازدواج خطر اختلال عملکرد ازدواج را کاهش می دهد. همسران شرکت کننده در این کلاسها ریسک کمتری را برای مواجهه با مشکلات زناشویی داشتند و سرانجام ازدواج در آنها بهتر بود. اسپومولا(۱۹۹۸) با پژوهش خود نشان داد که انجام مشاوره قبل از ازدواج با افزایش میزان رضایت از ازدواج همراه است و زوجین تجربه مشاوره را به عنوان یک تجربه خوشایند و رضایت بخش عنوان می کند جهت ارائه آموزش و مشاوره موفق به زوجین آماده ازدواج شناخت دلایل مبادرت افراد به ازدواج، آمادگی های لازم برای ازدواج، عوامل موثر در برقراری ارتباطات و تداوم آن ضروری است. مهدویان(۱۳۷۶) در تحقیق خود با عنوان "بررسی تأثیر آموزش ارتباط زناشویی" نشان داد که روش آموزش ارتباط با رویکرد شناختی رفتاری می تواند باعث افزایش رضایتمندی زناشویی شود، حتی هنگامی که زن یا شوهر از یک مشکل اختلال شخصی رنج می برد و همچنین این آموزش ها در مواردی به بهبود سلامت روانی آنها کمک می کند. بعلاوه مشخص گردید که روش شناختی- رفتاری آموزش ارتباط برای جامعه ما به ویژه برای افراد تحصیل کرده مناسب است.

نتایج پژوهش های پریزاده و خدیو زاده در دانشگاه علوم پزشکی مشهد نشان داد که : ازدواج باعث برقراری منظم فعالیت های جنسی بهداشتی و سالم می شود و از فعالیت های جنسی نامشروع که سبب آسیب های اجتماعی دیگری مانند فحشاء و بیماری های مقاربتی می گردد جلوگیری می کند. ازدواج یک رابطه بسیار نزدیک و طولانی را بین زن و مرد ایجاد می کند و در صورتی که ارتباط سالم و موثر بین زن و مرد به وجود نیاید، بقاء آن با مشکل مواجه می شود. از طرفی زوج های جوان آینده سازان کشور هستند و سلامت جامعه در گرو تأمین سلامت جسمی روانی و اجتماعی آنان است. ریشه بسیاری از مشکلات عمده بهداشتی نظیر رشد بی رویه جمعیت، مرگ و میر مادران و کودکان و ناهنجاری های ژنتیکی، اختلافات خانوادگی، مشکلات جنسی زوجین طلاق ... را باید از دوران پیش از ازدواج جستجو کرد و پیشگیری از بروز مشکلات را باید با برنامه ریزی صحیح و راهنمایی های مربوط به آن را از دوران پیش از ازدواج شروع نمود.

سینها و مکرجی(۱۹۹۹) یکی از عوامل اثرگذاری بر عملکرد خانواده را سازگاری زناشویی می دانند. گفتنی است که سازگاری در بین اعضای خانواده باعث می شود که کیفیت عملکرد والدین، میزان سلامتی، میزان رضایت از زندگی، رشد و تربیت فرزندان و روابط اجتماعی بهتر و موثرتر می شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۴).

وایت و راجرز(۲۰۰۰) در بررسی های خود دریافتند که مشکلات اقتصادی از عوامل پیش بینی کننده کیفیت رابطه زناشویی است نتایج این بررسی نشان داد که فشار اقتصادی موجب افزایش رفتار خصومت آمیز مردان و افسردگی زنان می شود. همچنین نا امنی شغل شوهران، با گزارش های زنان از تعارض های زناشویی و افکار طلاق رابطه بالایی دارد.

روبرتز(۲۰۰۰) نیز بر این باور است که بیکاری یکی از استرس زا ترین حوادث زندگی است و خشونت شوهران با درآمد پایین و بیکاری رابطه دارد. پژوهش روبرتز در خصوص علل مشکلات زناشویی نشان داد که مشکلات و نارضایتی از رابطه جنسی در سال اول زندگی مشترک با افزایش احتمال طلاق در سال دوم رابطه دارد.

مطالعات انجام شده توسط کریستوفر واسپرچر(۲۰۰۰) نیز در مورد رابطه جنسی نشان می دهد که رضایت جنسی با میزان بالایی از رضایتمندی زناشویی مربوط است. دخالت خویشان و بستگان زوجین و وابستگی زن و شوهر به خانواده خود از دیگر مسائلی است که می تواند روابط زناشویی را دچار مشکل سازد. زن یا شوهر به ویژه در اوایل زندگی مشترک توسط دیگران به طور ناشایسته راهنمایی و یا تحریک می شوند. گاهی اوقات حضور مادر شوهر یا پدر شوهر، مادر زن یا پدر زن با وجود علاقه به فرزندان خود در زندگی مشترک آنها مزاحمت ها یا آسیب هایی را به وجود می آورد(به پژوه، ۱۳۸۱).

پژوهش های متعدد نشان می دهد که دخالت های زیاد اعضای خانواده ی همسر در زندگی زوج ها می تواند رضایتمندی از زندگی زناشویی را کاهش دهد. همچنین او در زمینه رفتارهای خشونت آمیز معتقد است رفتاری خصومت آمیز در طول زمان رضایتمندی زناشویی را کاهش داده و زمینه جدایی افراد را فراهم می کند (روبرتز، ۲۰۰۰).

نجات (۱۳۸۵) با بررسی تأثیرات آموزش های مهارت های زندگی بر میزان صمیمیت زوجین که از مجموع مهارت ها سه مهارت : توانایی مقابله با استرس، هیجانها و ارتباط موثر با طرف مقابل را مورد تحقیق قرار داده است و نشان می دهد که چنین آموزش هایی به طور معنی داری باعث افزایش میزان صمیمیت در زوجین می شود. مهدی زاده (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان داد که آموزش مهارت های زندگی به زوجین باعث بهبود سلامت زوجین می شود. با آموزش شیوه های کار آمد گوش دادن، صحبت کردن، ارائه پاسخ های غیر کلامی موثر می تواند کیفیت رابطه بین زوج ها را ارتقاء داد. اسکات ولو (۲۰۰۲) در یک برنامه آموزش پیشگیری و پر بار سازی رابطه به زوج ها در کسب مهارت ها و نگرش های مرتبط با موقعیت زناشویی نشان داده اند که زوج های آموزش دیده سطح بالاتری از ارتباطات مثبت و سطح پایین تری از ارتباطات منفی را در مقایسه با زوج های گروه مقایسه در طول سال های بعد از شرکت در این برنامه آموزشی گزارش داده اند.

آنچه در این میان باید توجه داشت، این است که در تمام جوامع (با حداقل بیشتر آنها) خانواده یکی از عوامل مهم رشد است. تأثیر خانواده در فرد بدون مقدمه آغاز و با قدرت و فراگیری خاص آشکار می شود و امکان دارد در سرتاسر زندگی شخص باقی بماند، از این رو در امر ازدواج، داشتن آگاهی و اطلاعات کافی ضروری می باشد، چرا که به طور قطع با خانواده هایی روبرو می شویم که پس از ازدواج با مشکلات بیشتری مواجه شده اند. گاه کانون خانواده به قدری ناراحت کننده و متشنج می شود که جز انتخاب طلاق و جدایی راه دیگری باقی نمی ماند که این امر نیز عواقب ناپهناجاری به دنبال دارد. زن و شوهری که از نظر فرهنگی فاصله دارند و یا از نظر درجه تحصیلات، سلسله مراتب اجتماعی در طبقات متفاوتی قرار دارند، زن و شوهری که توافق اخلاقی ندارند و ... نمی توانند در زندگی، هماهنگی ایجاد کنند و میزان رضایتمندی زناشویی آنها در حد کمتری قرار می گیرد.

فرضیه های پژوهش:

- ۱- بین آموزش های پیش از ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین رضایتمندی زناشویی و نظارت مالی (سطح اقتصادی) رابطه وجود دارد.
- ۳- بین رضایتمندی زناشویی و روابط جنسی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین رضایتمندی زناشویی و مباحث عقیدتی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین رضایتمندی زناشویی و نقش های مربوط به برابری زن و مرد رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری

در پژوهش حاضر جامعه آماری کلیه زوج های متأهل مراجعه کننده به یکی از مراکز بهداشت شهر رشت می باشند که تعداد ۸۰ نفر به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شده و از میان آنها ۴۰ نفر به مراکز مشاوره پیش از ازدواج مراجعه کرده و ۴۰ نفر افراد متأهل به این مراکز مراجعه نکرده اند.

ابزار سنجش

رضایتمندی زناشویی انریچ : در این پژوهش برای سنجش رضایت زناشویی و نحوه تعامل زوجین از پرسشنامه رضایتمندی زناشویی انریچ استفاده شده است. که از ۱۲ مقیاس تشکیل شده است: شامل پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، فرزند پروری، بستگان و دوستان، نقش های مربوط به برابری زن و مرد، و جهت گیری عقیدتی می باشد. پرسشنامه به صورت ۵ گزینه ای لیکرت، در نظر گرفته شده است و به هر گزینه از ۱ تا ۵ امتیاز داده می شود.

البته با توجه به زیاد بودن تعداد سوالات پرسشنامه (۱۱۵ سوال) که موجب خستگی بیش از حد شرکت کنندگان می شد، تصمیم گرفته شد فرم کوتاهی از آن تهیه شود. برای این منظور ابتدا همبستگی هر یک از سوالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید، سپس ۴ سوال که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بود انتخاب شدند. این انتخاب به طور مساوی از مقیاس های مختلف پرسشنامه صورت گرفت و بدین ترتیب در مجموع ۴۷ سوال انتخاب شد و ضریب اعتبار فرم ۴۷ سوالی بر روی یک گروه ۱۱ نفری با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید که ضریب اعتبار ۹۵٪ بدست آمد.

الف) شیوه نمره گذاری

پرسشنامه به صورت پنج گزینه ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است که به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می شود.

ب) اعتبار و روایی

السون، فورنیر و دراکمن (۱۹۸۹) ضریب اعتبار این پرسشنامه را با ضریب آلفای ۰/۹۲ گزارش کرده اند. ضریب همبستگی این پرسشنامه با مقیاس های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ با مقیاس های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه روایی سازی آن است.

شیوه اجرا

در این پژوهش پس از توضیحات لازم به زوج ها درباره اهداف پرسشنامه و توصیه به دقت نکردن بیش از حد به سوالات و ثبت نخستین جوابی که به ذهن می رسد، پرسش نامه ها پخش شد و در مرحله بعد نرم افزار spss گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از شاخص هایی نظیر، درصد، میانگین و ... و در سطح آمار استنباطی از آزمون های نسبت t و f مستقل استفاده شده است.

یافته ها

در این قسمت میانگین و انحراف معیار نمرات رضایتمندی زناشویی گروه آزمایش و گروه گواه به تفکیک گزارش می شود.

جدول (۱) شاخص های توصیفی نمرات رضایتمندی زناشویی گروه آزمایش و گواه

شاخص های توصیفی				گروه ها
انحراف معیار	میانگین	درصد	تعداد آزمودنی	
۳۳/۲۴	۱۶۹/۱۲	٪۵۰	۴۰	رضایت زناشویی
۳۴/۴۸	۱۵۰/۴۷	٪۵۰	۴۰	
۲/۰۹	۱۱/۲۷	٪۵۰	۴۰	نظارت مالی
۲/۶۲	۱۰/۰۷	٪۵۰	۴۰	
۱/۸۶	۱۳/۷۲	٪۵۰	۴۰	روابط جنسی
۲/۴۶	۱۲/۵۷	٪۵۰	۴۰	
۳/۵۳	۱۵/۴	٪۵۰	۴۰	عقیدتی
۳/۲۸	۱۳/۳۲	٪۵۰	۴۰	
۲/۱۸	۷/۵۷	٪۵۰	۴۰	نقش های مربوط به برابری زن و مرد
۲/۲۱	۶/۵۷	٪۵۰	۴۰	

با توجه به جدول فوق، تعداد آزمودنی های مورد مطالعه در پژوهش حاضر ۸۰ نفر می باشند که ۴۰ نفر (۵۰٪ از نمونه) در گروه آزمایش و ۴۰ نفر دیگر از نمونه (۵۰٪) در گروه گواه (کنترل) جایگزین شده اند. همچنین همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود، میانگین نمرات آزمودنی های گروه آزمایش در متغیرهای رضایت زناشویی، نظارت مالی، روابط جنسی، جهت گیری عقیدتی، نقش های برابر زن و مرد بیشتر از میانگین نمرات گروه گواه (کنترل) است.

یافته های استنباطی

فرضیه اول: بین میانگین نمرات رضایتمندی زناشویی در گروه آزمایش (آموزش دیده) و گروه گواه (آموزش ندیده) رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۲) نتایج آزمون تی مستقل

متغیر	فرض برابری واریانس ها		نتایج آزمون تی مستقل	
	F	سطح معنی داری	T	درجه آزادی
رضایت زناشویی	۰/۲۳	۰/۶۳	۲/۴۶	۷۸

$p < 0/05$

یافته های جدول فوق نشان می دهد که با رعایت مفروضه برابری واریانس گروه ها ($F = 0/23, p > 0/05$)، بین میانگین نمرات رضایت زناشویی در دو گروه آزمایش و گواه رابطه معنی داری وجود دارد ($p < 0/05, t_{(78)} = 2/46$)، چرا که سطح معنی داری مشاهده شده (p) از سطح آلفای $0/05$ کوچکتر است. در چنین شرایطی می توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه آماری معنی داری بین دو گروه رد شده و فرض پژوهش که بیانگر وجود رابطه معنی دار بین دو گروه است، تأیید می شود که این یافته بیانگر اثربخشی آموزش در افزایش رضایتمندی زناشویی افراد می باشد. یافته های توصیفی جدول نیز موید این یافته است زیرا میانگین نمرات رضایتمندی زناشویی افرادی که تحت آموزش قرار گرفته اند، بیشتر از میانگین گروهی است که آموزش دریافت نکرده اند (گروه گواه).

فرضیه دوم: بین میانگین نمرات نظارت مالی در گروه آزمایش (آموزش دیده) و گروه گواه (آموزش ندیده) رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۳) نتایج آزمون تی مستقل

متغیر	فرض برابری واریانس ها		نتایج آزمون تی مستقل	
	F	سطح معنی داری	T	درجه آزادی
نظارت مالی	۳	۰/۰۸۷	۲/۲۵	۷۸

$p < 0/05$

یافته های جدول فوق نشان می دهد که با رعایت مفروضه برابری واریانس گروه ها ($F = 3, p > 0/05$)، بین میانگین نمرات نظارت مالی در دو گروه آزمایش و گواه رابطه معنی داری وجود دارد ($p < 0/05, t_{(78)} = 2/25$)، چرا که سطح معنی داری مشاهده شده (p) از سطح آلفای $0/05$ کوچکتر است. در چنین شرایطی می توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه آماری معنی داری بین دو گروه رد شده و فرض پژوهش که بیانگر وجود رابطه معنی دار بین دو گروه است، تأیید می شود که این یافته بیانگر اثربخشی آموزش در افزایش نظارت مالی می باشد. یافته های توصیفی جدول نیز موید این یافته است، زیرا میانگین نمرات نظارت مالی افرادی که تحت آموزش قرار گرفته اند، بیشتر از میانگین گروهی است که آموزش دریافت نکرده اند (گروه گواه).

فرضیه سوم: بین میانگین نمرات روابط جنسی در گروه آزمایش (آموزش دیده) و گروه گواه (آموزش ندیده) تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول (۴) نتایج آزمون تی مستقل

متغیر	فرض برابری واریانس ها		نتایج آزمون تی مستقل	
	F	سطح معنی داری	T	درجه آزادی
روابط جنسی	۰/۷۴	۰/۳۹	۲/۳۴	۷۸

$p < 0/05$

یافته های جدول فوق نشان می دهد که با رعایت مفروضه برابری واریانس گروه ها ($F = 0/74, p > 0/05$)، بین میانگین نمرات روابط جنسی در دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معنی داری وجود دارد ($p < 0/05, t_{(78)} = 2/34$)، چرا که سطح معنی داری مشاهده شده (p) از سطح آلفای $0/05$ کوچکتر است. در چنین شرایطی می توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه آماری معنی داری بین دو گروه رد شده و فرض پژوهش که بیانگر وجود رابطه معنی



دار بین دو گروه است، تأیید می شود که این یافته بیانگر اثربخشی آموزش در افزایش روابط جنسی می باشد. یافته های توصیفی جدول نیز موید این یافته است زیرا میانگین نمرات روابط جنسی افرادی که تحت آموزش قرار گرفته اند، بیشتر از میانگین گروهی است که آموزش دریافت نکرده اند (گروه گواه).

فرضیه چهارم: بین میانگین نمرات جهت گیری عقیدتی افراد در گروه آزمایش (آموزش دیده) و گروه گواه (آموزش ندیده) رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۵) نتایج آزمون تی مستقل

متغیر	فرض برابری واریانس ها		نتایج آزمون تی مستقل	
	F	سطح معنی داری	T	درجه آزادی
جهتگیری عقیدتی	۰/۴۷	۰/۴۹	۲/۷۱	۷۸

$p < 0.01$

یافته های جدول فوق نشان می دهد که با رعایت مفروضه برابری واریانس گروه ها ($F = 0.47, p > 0.05$)، بین میانگین نمرات جهت گیری عقیدتی در دو گروه آزمایش و گواه رابطه معنی داری وجود دارد ($t_{(78)} = 2.71, p < 0.05$). چرا که سطح معنی داری مشاهده شده (p) از سطح آلفای 0.05 کوچکتر است. در چنین شرایطی می توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه آماری معنی داری بین دو گروه رد شده و فرض پژوهش که بیانگر وجود رابطه معنی دار بین دو گروه است، تأیید می شود که این یافته بیانگر اثربخشی آموزش در افزایش نمرات جهت گیری عقیدتی افراد می باشد. یافته های توصیفی جدول نیز موید این یافته است، زیرا میانگین نمرات جهت گیری عقیدتی افرادی که تحت آموزش قرار گرفته اند، بیشتر از میانگین گروهی است که آموزش دریافت نکرده اند (گروه گواه).

فرضیه پنجم: بین میانگین نمرات نقش های برابر زن و مرد در گروه آزمایش (آموزش دیده) و گروه گواه (آموزش ندیده) رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۶) نتایج آزمون تی مستقل

متغیر	فرض برابری واریانس ها		نتایج آزمون t مستقل	
	F	سطح معنی داری	t	درجه آزادی
نقش های برابر زن و مرد	۰/۱۶	۰/۸۹	۲/۰۳۳	۷۸

$p < 0.05$

یافته های جدول فوق نشان می دهد که با رعایت مفروضه برابری واریانس گروه ها ($F = 0.16, p > 0.05$)، بین میانگین نمرات نقش های برابر زن و مرد در دو گروه آزمایش و گواه رابطه معنی داری وجود دارد ($t_{(78)} = 2.033, p < 0.05$). چرا که سطح معنی داری مشاهده شده (p) از سطح آلفای 0.05 کوچکتر است. در چنین شرایطی می توان گفت که فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه آماری معنی داری بین دو گروه رد شده و فرض پژوهش که بیانگر وجود رابطه معنی دار بین دو گروه است، تأیید می شود که این یافته بیانگر اثربخشی آموزش در افزایش نمرات نقش های برابر زن و مرد می باشد. یافته های توصیفی جدول نیز موید این یافته است، زیرا میانگین نمرات نقش های برابر زن و مردی که تحت آموزش قرار گرفته اند، بیشتر از میانگین گروهی است که آموزش دریافت نکرده اند (گروه گواه).

بحث و نتیجه گیری

جمع بندی بررسی های به عمل آمده، نشان می دهد که تفاوت در جنبه های اقتصادی، تحصیلی، وضعیت اجتماعی، عدم رضایت از روابط جنسی، دخالت خانواده های طرفین، فاصله طبقاتی، اختلاف مذهبی، و تفاوت های قومی و نژادی و شغلی و... در رضایتمندی زناشویی موثر است. همچنین نتایج مطالعات نشان می دهد که مشاوره قبل از ازدواج بر میزان رضایتمندی، زناشویی زوجین تأثیر دارد. در این پژوهش نیز بحث تأثیر فرایند مشاوره قبل از ازدواج، بر میزان رضایت مندی افراد متأهل مورد مطالعه قرار گرفته است. طبق بررسی های صورت گرفته، میانگین رضایتمندی زناشویی در بین افراد متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره قبل از ازدواج با میانگین گروه مورد مقایسه، بیشتر گزارش شده است. بنابراین با توجه به مطالب فوق، باید گفت: افرادی که به مراکز



مشاوره قبل از ازدواج مراجعه می کنند، با مهارت های زندگی زناشویی، مهارت های ارتباطی و روش های مقابله با چالش های زندگی، آشنا می شوند و در این خصوص آماده می شوند و به نوعی پیشگیری اولیه به شمار می رود، اما دسته دوم افرادی هستند که بدون مراجعه به مراکز مشاوره قبل از ازدواج و عدم شناخت صحیح از یکدیگر و آشنایی با مهارت های زندگی زناشویی و به طور کلی مهارت های زندگی اقدام به ازدواج می کنند که از نظر میزان رضایتمندی زناشویی بهره بالایی نخواهند برد. یافته عمده مطالعه حاضر، این بود که بین زوجین، دریافت کننده آموزش های قبل از ازدواج با زوجینی که از این آموزش ها بهره ای نبرده اند از نظر میزان رضایتمندی تفاوت وجود دارد. به این معنا که میانگین رضایتمندی زناشویی افرادی که از آموزش های قبل از ازدواج بهره برده بودند بالاتر از افراد متأهلی است که از این آموزش ها بهره ای نبرده اند.

بر اساس ادبیات پژوهش شریطی که زوجین باید دارا باشند تا بتوانند ازدواج موفق داشته باشند، شامل ابعاد زیستی، روانی، سلامت نفسانی، اخلاقی، اعتقادی، اقتصادی، فردی و اجتماعی است. با توجه به مطالبی که تا کنون بیان شد، می توان گفت زوجینی که از آگاهی های لازم برای تشکیل خانواده برخوردار نباشند در صورتی که ازدواج کنند، نه تنها متضمن مسئولیت اخلاقی، شرعی و قانونی می باشد، بلکه نگرانی های فراوانی را در بنا نهادن و ادامه زندگی مشترک در پی خواهد داشت.

منابع و مراجع

- [۱] بارکر، فیلیپ. (۱۳۸۲) خانواده درمانی پایه ، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی ، تهران . رشد.
- [۲] به پژوه، احمد(۱۳۸۱ الف)؛ آسیب شناسی ازدواج و خانواده(کتاب اول آموزش خانواده)، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- [۳] تامپسون (۱۳۷۳) ژنتیک در پزشکی ، ترجمه فرهاد درجه خواه . چاپ اول ، انتشارات شهرآب.
- [۴] حسینی، م. (۱۳۷۷) مشاوره ازدواج و خانواده ، انتشارات آوای نور.
- [۵] جلالی، داریوش. جلالوند، لادن (۱۳۸۴) . بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سازگاری زناشویی زوج ها . دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران . دانشگاه شهید بهشتی.
- [۶] رفاهی، ژاله (۱۳۸۷) آموزش مهارت های زندگی ، راهکار پیشگیری از آسیب های اجتماعی . سال اول ، شماره ۲ . زمستان.
- [۷] کاویان پور، احمد(۱۳۷۷)؛ ازدواج و زندگی موفق، تهران: انتشارات آذرکهن.

[۸] Games, N.(۲۰۰۰); First Cousin Marriage, University of Michigan . Craig, M. M & . Qlick, S. J.(۱۹۶۳); Ten Yeares Experience with the Qlueok social predication.

[۹] Lewis, M. et al(۲۰۰۴); Handbook of Emotions, ۲nd edition.

[۱۰] Emery R. E.(۱۹۸۲); Interparental conflict and the children of discord and Divorce, Psychological Bulletin; ۹۲,